

درآمدی بر مقاله «نقش معدن و معدنکاری در فقرزدایی»

(از زبان مترجم)

بالا در زمینه فعالیت‌های معدنی منتشر می‌کنند، با محوریت فعالیت‌های معدنی در کشورهای ضعیف نیمه جنوبی کره زمین (آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین) و بخشی از آسیاست. این کشورها غنی از پتانسیل‌های معدنی هستند، اما به هر دلیل توان افزایش قدرت اقتصادی خود با استفاده از مواد معدنی را نداشته‌اند.

ترجمه‌ای که در دو بخش تقدیم حضور شد، یکی از تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی است که به عنوان سرفصل آموزشی در یک کتاب با موضوع اقتصاد کلان، به منظور آموزش نیروهای جوان دانشگاهی در کشورهای غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوشتار بحث اقتصاد معادن از دید فقرزدایی آنچنان مورد موشکافی قرار می‌گیرد که از هر منظر که به آن نگاه شود موضوعیت خود را حفظ کرده است. اگر به چشم مطلب سیاسی خوانده شود؛ یک مطلب سیاسی فراگیر، اگر توسط یک اقتصاددان مورد مطالعه قرار گیرد؛ یک مطلب اقتصادی جامع و اگر به عنوان یک مطلب معدنی ارایه شود؛ کاربردی به نظر می‌رسد.

کلیدی‌ترین ارتباط اقتصادی معدنکاری و جامعه، کاهش فقر و تقویت بنیه اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر در جوامع محلی است. معدن با فرصت‌های اقتصادی که به واسطه اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد، ارتقا و وضعیت زیرساخت‌ها، افزایش شاخصه‌های جغرافیایی، بهداشتی، آموزشی و امنیتی به ارمغان می‌آورد، بستر درمان بیماری‌های ناشی از ضعف اقتصادی را فراهم می‌سازد.

معدن به واسطه تأثیرات مالی، درآمدزایی و نیز درآمدهای ارزی و همچنین توسعه اقتصادهای محلی، بهترین پتانسیل مبارزه با فقر و فقرزدایی را در مناطق محروم به خود اختصاص داده است. البته به واسطه احتمال فساد، تأثیر بر محیط زیست، کم‌توجهی به مسایل بهداشتی و توسعه نامتناسب انسانی، مسایل اجتماعی و فرهنگی و همچنین تأثیرات تعطیلی معدن، همواره در معرض اعمال آسیب‌های انسانی و اجتماعی نیز هست که سیاست‌گذاران می‌توانند با هوشمندی مزایای بخش معدن را به حداکثر رسانده، با برنامه‌ریزی هدفمند و تدوین استراتژی‌های معدنی، پتانسیل‌های آسیب‌رسان را تحت کنترل درآورند.

گاهی اثرات مثبت اقتصادی معدن در جامعه مورد وقوع، آنقدر بزرگ است که مستقیم یا غیرمستقیم به واسطه سطح بالای درآمد و اشتغال باعث بروز اثرات منفی در بخش‌های غیرمعدنی می‌شود. معمولاً عدم وجود برنامه‌ریزی برای اتمام ذخیره و تعطیلی معدن در شهرهای معدنی که با گذشت زمان به شهرهایی تک‌محصولی با وابستگی به معدن و صنایع معدنی تبدیل شده‌اند، بزرگ‌ترین خطر اجتماعی - اقتصادی است که این شهرها و جامعه مدنی آن‌ها را تهدید می‌کند و موجب فراموشی کارآفرینی، اشتغال‌زایی، تمرکززدایی و احیا یا ایجاد نقاط جمعیتی منطقه توسط معدن می‌شود. در واقع تعطیلی معدن خصوصاً در جوامع تک‌صنعتی و نواحی وابسته به فعالیت‌های معدنی به دلیل از دست رفتن مشاغل، اثرات مخربی بر جامعه و اقشار مختلف آن می‌گذارد. اما به طور کلی معدنکاری بزرگ مقیاس در صورتی که دربرگیرنده برنامه‌ریزی‌های دقیق در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد، نسبت به معدنکاری کوچک مقیاس، اثرات فقرزدایی موثرتری را به همراه خواهد داشت. اما این بدان معنی نیست که بتوانیم به راحتی از قابلیت‌های

نتیجه فعالیت تمامی علوم، افزایش سطح رفاه در نقاط جمعیتی است، اما مهندسی معدن و معدنکاری به واسطه کشف و بهره‌برداری از ذخایر معدنی باعث پدید آمدن شهرها و مناطق مسکونی جدید در نواحی دورافتاده‌ای می‌شوند که حتی اگر دولت‌ها سیاستی بر ایجاد شهرهای جدید در آن مناطق داشته باشند، به این نحو موفق نخواهند بود. این شعار نیست و به راحتی با مراجعه به یک موتور جستجو و تحقیق در زمینه شهرهای معدنی قابل مشاهده است. در ایران نیز که یک کشور معدن‌خیز است تنها دو مورد از این شهرها، سرچشمه در استان کرمان و آهن‌شهر در استان یزد هستند. سابقه طولانی معدنکاری در ایران که به بیش از ۲۰۰۰ سال می‌رسد بیانگر این است که گذشتگان ما به تمام جنبه‌های معدنکاری از تأمین خوراک صنایع بالادستی، تأثیرات مثبت بر قدرت سیاسی، اشتغال‌زایی و فقرزدایی، ایجاد زمینه‌های پیشرفت، برپایی ارکان یک اقتصاد قدرتمند و... واقف بوده‌اند. در بسیاری از مناطقی که امروز با امکانات موجود، برای اکتشاف وارد می‌شویم آثاری از معدنکاری شدادی (از استخراج تا ذوب) مشاهده می‌کنیم که مرید اهمیت معدنکاری از دید فنی، اقتصادی، مالی و... برای نیاکان ما است. آن‌ها پذیرفته بودند که با امکانات اندک دوران خود، در بدترین شرایط، فعالیت کنند و این به جز دنبال کردن یک هدف شناخته شده متعالی، دلیل دیگری نداشته است. دولت‌ها و حکومت‌ها علاقه زیادی به تأمین امنیت، به عنوان مهم‌ترین وظیفه حاکمیتی دارند. این امنیت جنبه‌های متنوعی دارد از جمله امنیت غذایی، امنیت جانی شهروندان، امنیت بهداشتی و... که البته برخی از این جنبه‌ها تأثیرگذارتر از سایرین بوده و آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. از این میان اهمیت امنیت اقتصادی برای همگان واضح و روشن است. کشورها با توجه به داشته‌های خود به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که بتوانند برای چند دهه آتی، امنیت اقتصادی را تأمین کنند و امکان تأمین این امنیت با حداقل تغییر در برنامه‌ریزی و مسیر پیموده شده میسر باشد.

ثروت‌های ملی، مانند منابع خدادادی (نفت، گاز، منابع و ذخایر معدنی، جنگل‌ها، آب، اراضی و...) جزء پایه‌ها و ارکان اقتصادهای ملی هستند. در واقع هیچ تفاوتی بین یک کشور فاقد منابع و ذخایر معدنی و کشور غنی از منابع معدنی که نمی‌تواند از این منابع استفاده کند وجود ندارد. امروز در دنیا شاهد هستیم که کشورها برای حفظ منافع اقتصادی و اقتدار سیاسی خود به کمک منابع معدنی، چگونه قوانین و مقررات ملی و سیاست‌های بین‌المللی خود را در چارچوب استراتژی‌های بلندمدت تدوین شده، کنترل می‌کنند، تغییر می‌دهند یا اصلاح می‌نمایند. در چنین شرایطی بسیار جای تأسف دارد که امروز ما باید به فکر فرهنگ‌سازی و گنجاندن معدن - البته با اصرار و تلاش‌های بی‌وقفه برخی از اهالی معدن و معدنکاری - در اقتصاد، برنامه‌ریزی‌ها و بسته‌های خروج از تنگنای اقتصادی باشیم. معدن که به خودی خود ثروت بالقوه و خدادادی این مرز و بوم و نقطه قوت کشور ما محسوب می‌شود همواره به دلیل تأکید بر صنایع پر حرف و حدیثی چون خودروسازی، در سایه قرار می‌گیرد. بسیاری از مطالب علمی، اقتصادی و تحلیلی که کشورهای دارای رتبه‌بندی

اقتصادی معدنکاری کوچک مقیاس و دست‌کند (علی‌رغم تمام مشکلات) چشم‌پوشی کنیم. طبیعی است که معدنکاری بزرگ مقیاس به واسطه درآمد بالاتر و ساختارهای اجتماعی منظم‌تری که برپا می‌کند، نقش پررنگ‌تری در بهبود تغذیه، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال، تولید، تقسیم ثروت، کنترل اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی، ارتقا‌یمنی، پیشگیری و جبران حوادث و صدمات ناشی از کار و برنامه‌های پس از تعطیلی معدن داشته باشد.

معدان، چه کوچک مقیاس و چه بزرگ مقیاس، در کشورهای مختلف دارای تاثیرات مثبت و منفی، از جمله در فقرزایی و فقرزدایی هستند که بخشی از آن‌ها به طبیعت معدن و معدنکاری و بخشی نیز به عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها وابسته است.

بخش معدن در صورت داشتن یکی از حالت‌های زیر می‌تواند نقش مهمی در استراتژی‌های فقرزدایی ایفا کند:

الف) ۵ الی ۱۰ درصد درآمد مالی را به خود اختصاص داده باشد.
ب) ۱۰ الی ۱۵ درصد از درآمد حاصل از صادرات را به خود اختصاص داده باشد.

ج) ۳ الی ۵ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده باشد.
د) ۱۰ الی ۱۵ درصد نیروی کار صنعتی را به خود اختصاص داده باشد.

در صورتی که هر یک از شاخص‌های فوق در یک منطقه یا استان اعمال شود، تاثیر بخش معدن در فقرزدایی می‌تواند اهمیت یکسانی در مقیاس ملی داشته باشد.

مثال بارزی از یک ناحیه معدنی موفق در کشور ما، منطقه معدنی خواف، سنگان و تایباد است که به واسطه وجود پتانسیل سنگ‌آهن، روز به روز چهره متفاوتی به خود می‌گیرد. منطقه‌ای مرزی که زمانی به دلیل نامنی مشهور بود، اما امروز قطب سنگ‌آهن ایران است و به خاطر همین عملیات‌های معدنی، راه‌آهن تهران-خواف و خواف-بندرعباس را به عنوان مهم‌ترین زیرساخت‌های ارتباطی در اختیار دارد. وضعیت معیشتی افراد محلی به واسطه فرصت‌های عدیده شغلی با درآمدهای مکفی به طور قابل توجهی با گذشته متفاوت شده و مشاغل غیرقانونی و مخرب اقتصاد جای خود را به مشاغل تولیدی و قانونی افتخارآمیز داده‌اند. به راستی جامعه‌ای که این چنین از فقر منابع طبیعی، مانند آب و پوشش گیاهی رنج می‌برد و کشاورزی و دامپروری هرگز راهگشا نبوده، از چه راهی جز اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر و منابع معدنی امکان احیا داشت؟ البته عدم وجود استراتژی معدن در کشور، باعث ایجاد چالش در منطقه و برای فعالان و علاقمندان به سرمایه‌گذاری در حوزه معدن شده که البته با برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات اخیر، امید به رفع آن است. اما آنچه که مسلم است اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم و در نتیجه فقرزدایی و تقسیم ثروت بین افراد مختلف جامعه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های محلی به عنوان پایه‌های توسعه اقتصادی خصوصا در بخش حمل و نقل و نیرو، توسعه فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و صنایع جانبی، سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های محلی، ارتقای بهداشت و آموزش، تامین امنیت منطقه‌ای و ملی و به طور خلاصه ارتقای شاخصه‌های اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی، امنیت و توانمندسازی قابلیت‌ها با استفاده از این فرصت‌ها صورت گرفته است.

توجه به تامین انتظارات اجتماعی و همچنین اجرای برنامه‌های آموزشی در جوامع محلی باعث کنترل ثبات اجتماعی - فرهنگی و نیز ثبات سیاسی در مناطق معدنی می‌شود. چنین برنامه‌هایی را می‌توان با ابزارهای مدنی مانند

وضع قوانین اجتماعی پیشگیرانه و تنبیهی، در کنار به رسمیت شناختن حق و حقوق مشارکت جوامع محلی و سیاست‌ها و مقررات تشویقی به اجرا درآورد. اما تمام این برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات، مستلزم وجود شناخت کافی از زمینه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه محلی منطقه مورد وقوع معدنی از یک سو و فرهنگ‌سازی و شناخت عموم مردم جامعه، خصوصا اهالی جامعه مدنی منطقه مورد وقوع معدن، از فعالیت‌های معدنی و معدنکاری از سوی دیگر است. اینکه یک ارگان دایم به صورت مستقیم و غیرمستقیم اهالی یک منطقه را بر علیه معدنکاری و به بهانه تاراج منابع طبیعی بشوراند و تمام خسارات تحمیل شده بر محیط زیست به واسطه فعالیت‌های عوام‌پسندانه‌ای چون کشاورزی و دامداری را که بر منابع طبیعی فشار وارد می‌سازند و موجب تخریب آن می‌شوند به معدن و معدنکاری نسبت دهند، یا اینکه در ستون مطبوعات تخصصی و غیرتخصصی، کم‌تیراژ یا پرتیراژ مطالبی بر علیه معدنکاری بنگارند، چه نتیجه‌ای خواهد داشت جز محرومیت اقتصاد از بهره‌گیری از منابع خدادادی معدنی و ثروت ملی؟

لازم است میزان تاثیر معدنکاری در اشتغال‌زایی، تغییر و زدایش خصوصیات فقر و ارتقای شاخصه‌های سلامت، آموزش و امکانات زیربنایی طی مطالعه‌ای آسیب‌شناسانه توسط یک تیم متخصص متشکل از متخصصین معدن، حقوق، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، محیط زیست و منابع طبیعی، کشاورزی و امنیتی انجام پذیرد که در نهایت منجر به تدوین استراتژی ملی معدنی با نگرشی بر استراتژی کاهش فقر شود. استراتژی کاهش فقری که پاسخ‌گوی همه‌جانبه به سوالات کلیدی در زمینه فرصت‌های اقتصادی، قابلیت‌ها، امنیت و توانمندسازی جوامع هدف باشد و اولویت‌های پاسخ‌گویی و هدف‌گذاری برای معدنکاری بزرگ مقیاس و کوچک مقیاس را مشخص کند. به نحوی که در زمان بررسی فنی و اقتصادی پروژه‌های معدنی چارچوبی برای سنجش میزان موفقیت پروژه معدنی در زمینه فقرزدایی و کاهش اثرات منفی اجتماعی و همچنین راه‌حل‌هایی برای ارتقای شاخصه‌های مذکور در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی داشته باشد. تا امروز مطالب بسیاری در زمینه اهمیت معدنکاری منتشر شده است اما حقیقتا جای یک مطالعه جامع بین رشته‌ای معدن و علوم اقتصادی یا اجتماعی خالی است. سندی که به بررسی اثرات معدنکاری روی جوامع بومی، خلق فرصت‌های اشتغال، درآمدزایی مستقیم و غیرمستقیم، فقرزایی و فقرزدایی، فرصت‌ها و تهدیدها، سازوکارهای شناسایی فرصت‌ها و مکانیزم کنترل تهدیدها، نقشه راه تعامل ارگان‌های دولتی درگیر با مکتشفین و معدنکاران پرداخته و در نهایت منجر به تدوین سیاست‌های فقرزدا و توسعه پایدار به کمک معدن و مواد معدنی شود. امروز پای صحبت هر معدنکاری که بنشینید، حرف از ممانعت‌های محلی، اشکال‌تراشی متولیان منابع طبیعی و محیط زیست، مدیریت‌های یکسونگر، دیکتاتوری‌های بانکی، فرصت‌سوزی‌های سلیقه‌ای و ... است. سرمایه‌گذار امروز رو به بیابان کرده و به امید آنکه به تولیدکننده فردا تبدیل شود، سختی کار را به جان خریده و بخش غربی از خاک کشور عزیز را انتخاب می‌کند که آباد نماید اما سر از دادگاه و بعضا زندان در می‌آورد! فعالیتی که در نهایت منجر به استفاده از ثروت‌های خدادادی ملی، آبادانی عرصه‌ای که به هیچ روش دیگری ممکن نیست، ایجاد درآمد مالیاتی برای دولت، خلق فرصت‌های کسب و کار با اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم، سرمایه‌گذاری و ارزآوری خارجی، ارائه خدمات اجتماعی مناسب‌تر، تسریع در ایجاد یا بهسازی زیرساخت‌های فیزیکی، توسعه اقتصادی و فرهنگی محلی و ... شود.